۱۲۸

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

هر کلمه‌ی قرآن برای ما ارزش دارد و یک چیزی به ما می‌آموزد. در خلقت انسان‌ها می‌فرماید که (حالا عین عبارت یادم نیست که غلط نخوانم) ما شما را همه از نفس واحده آفریده‌ایم یعنی همه‌ی انسان‌ها که آفریده شده‌اند آن ماهیّت وجودیشان یعنی آن چیزی که موجب شده اسم آنها انسان باشد، آن نفس واحده‌ای است، یک وجود است. به این حساب خداوند به همه‌ی این نفس واحده علاقه‌مند است یعنی به همه توجّه می‌کند منتها متفاوت است. مثل اینکه شما گلدانی و گل‌هایی داشته باشید، درست است که اینها همه گل هستند و همه را خداوند می‌خواهد نگه‌دارد ولی بعضی‌ها آفت‌زده‌اند و ممکن است آفتشان به دیگری هم تسرّی کند. آنها را باغبان برای سلامت دیگران می‌کَند، دور می‌اندازد. امّا در بین اینها هم خداوند به مؤمنینِ خاص توجّه دارد و هم آنهایی را که به‌عنوان مؤمن تلقّی می‌کنند، به آنها نعمت و فیض اضافه‌ای می‌دهد. در قرآن می‌فرماید: كُنْتُمْ أَعْداءً، در این آیه البتّه خطاب به فردفرد انسان‌هاست، انسان‌هایی که مخاطب او بودند. در آن آیه، عبارت اوّل که گفتند، خلقت انسان‌هاست که همه‌ی انسان‌ها از نفس واحده‌اند. در اینجا می‌فرماید: إِذْ كُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَينَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ كُنْتُمْ عَلى شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْها (سوره آل‌عمران، آیه ۳). این نعمت دوستی، نعمت انس و محبّت که خداوند داد، درحالی که اوّل شب، دشمن بودند كُنْتُمْ أَعْداءً، خداوند بین شماها چنان الفتی داد که فردا صبح برادر بودید که این اصطلاحِ برادرها از این آیه است و فرمایش و روش رسول‌الله که مسلمین را دو نفر، دو نفر با هم برادر خطاب کرد و علی علیه‌السلام را با خودش، برادر گذاشت.

بنابراین در مسأله‌ی برادر بودن توجّه کنید. مؤمنین همه با هم برادر هستند و در این برادری باید رفتار برادرانه داشته باشند. این عبارتی که می‌فرمایند: با مردم رفتارتان طوری باشد که دلتان می‌خواهد رفتار دیگران با شما آنطور باشد یعنی اگر می‌خواهید که مردم به شما مهر بورزند، شما خودتان هم به مردم مهر بورزید، محبّت کنید.

در اینجا اینکه این عبارت به‌اصطلاح شایع است که می‌گویند عیسی علیه‌السلام پیغمبر درویش‌هاست یا درویش پیغمبرهاست. نه اینکه اینها از هم جدا هستند، اینها یکی هستند. این صفات خاصّی است همانطوری که هر کسی، دو تا برادر یکی ممکن است خیلی غضبناک باشد و دیگری ملایم و مهربان. مکتب عیسی علیه‌السلام مکتب حُبّ و دوستی بود، عبارت هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ که از یکی از ائمّه‌ی ما نقل شده، همین صفتی است که عیسی علیه‌السلام هم داشت. منتها با عبارت جامع‌تری یعنی فرمود: هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ، آیا دین چیزی غیر از مهربانی است؟

البتّه هر موجودی به هم‌جنسِ خودش می‌تواند مهربان باشد. نه به ضدّ جنسِ خودش. بنابراین این در آن نهفته است که مهربانی به برادرتان و مهربانی به همه‌ی خلقتان باشد. باید در تمام رفتارتان این عبارت نَفْسٍ واحِدَةٍ را در نظر بگیرید و حتّی اصل را بر مهربانی قرار بدهید. با همه مهربان باشید ولی در دنیایی که موج‌های دشمنی و کدورت، تمام سطح زندگی را گرفته، باید همیشه آماده به جنگ باشید. به‌اصطلاح بسیج عمومی باشید، نه این بسیج اسمی که می‌گویند «بسیج». بسیج عمومی باشید یعنی در هر لحظه آماده باشید که دشمنی‌هایی نسبت به شما شده باشد و برای دفاع از این دشمنی‌ها سنگ خارا نشان بدهید که در دفاع سنگ خارا باشید ولی اصل، دوستی و مهر است. ان‌شاءالله خداوند مهر و دوستی‌های ما را زیادتر، عمیق‌تر و پایگاه محکم‌تری قرار بدهد، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲، جلسه برادران ایمانی)

*****

امروز الحمدلله ارتباطات خیلی قوی است، جادّه‌ها خوب است، هواپیما هست، ترن هست، تلفن هست، نمی‌دانم موبایل هست، اینها هست. اینها همه نعمت‌هایی است که خدا داده، ما باید شکر کنیم. البتّه اینها موجب نشود که ما از ارتباط‌مان کم بشود و از محبّت معنوی‌مان کم بشود نه! سعی کنید که محبّت‌ها و انس‌هایی که داشتید، قوی‌تر بشود، بهتر هم بشود، نه اینکه کمتر بشود. در قدیم فرض بفرمایید یک نفر، یکی از فقرا می‌خواست به زیارت مرحوم آقایان برسد، چقدر زحمت داشت از این بابت. شاید اگر می‌شد سالی یک‌بار یا دوبار می‌رفت، خیلی هم خوشحال می‌شد امّا حالا هواپیما و همه چیز هست می‌رود ولی این موجب نشود که از سلوکش و از راه درویشی، کمی و کاستی ایجاد بشود. وقتی خدا فرمود: نوع بشر را خلیفه قرار داد، در آن‌صورت وقتی خلیفه است، این یک نیرویی از طرف خداوند دارد، همان نیرو به شما اجازه می‌دهد که خیلی وقت‌ها، وقتی که خالص و صمیمی باشید، بدون در نظر گرفتن هیچ مسأله‌ی خارجی، راجع به یک امری تصمیم بگیرید. فکر کنید که مثلاً استخاره چطور است؟ خدا که راه ارتباطش با دل‌های مردم، این کتاب نیست. یک مقداری کاغذ جلد کرده باشند به‌صورت کتابی و روی آن نوشته باشند: «قرآن». از راه معنای این قرآن با مردم در ارتباط است. معذلک ما برای تیمّن به این قرآن اکتفا می‌کنیم. آن آیه‌ی خاصّی را که باید مثلاً من تفسیر کنم و بگویم استخاره خوب است یا بد است، چه کسی آن آیه را آنجا آورده؟ چه کسی آن آیه را نوشته؟ چه کسی آن فکر را در ذهن من و بعد در ذهن شما ایجاد کرده؟ خداوند است. خداوند هم قادر است. لازم نیست از راه تسبیح یا از راه یک کتابی از راه قرآن حتّی، به شما الهام کند. ممکن است مستقیم به دل شما برات کند. بنابراین اگر در استخاره هم، دقیقاً به یک کاری فکر کردید و یک فکری، یک راه‌حلی به نظرتان رسید، همان راه‌حل، همان فکر را خدا به فکر شما گذاشته، بنابراین خدا جوابتان را داده. استخاره می‌کنید خدا جوابتان را به‌این‌طریق داده. بنابراین می‌توانید سعی کنید، با توجّه به ذکر و فکرتان در هر موردی جواب و راه حل صحیح را پیدا کنید.

اگر بعضی نامه‌ها به من می‌نویسید و من جوابی نمی‌دهم از این جهت است که آن مسأله مربوط به من نیست. البتّه فقرا علاقه‌مندند که در هر کاری من بگویم یعنی من بگویم این‌کار را بکنید، این‌کار را نکنید، دل‌گرم‌تر می‌شوند ولی این شما را از سلوک باز می‌دارد. باید فکر کنید به جای اینکه من این کار را بکنم، از راه دل، به خود شما امر بشود که فلان کار را بکن یا فلان کار را نکن. این کار خوب است یا این کار بد است. این است که بعضی نامه‌ها که من جواب نمی‌دهم، این است. نامه‌هایی که من جواب نمی‌دهم همه، یک جهت خاصّی دارد. خودِ جواب ندادن یک نوع جواب است. البتّه این در روابط معمولی است که می‌گویند چه جوابی؟ یکی پرسید گفت: ما کاغذ می‌نویسیم، جواب نمی‌دهید و حال آنکه جواب دادن واجب است. اگر نامه نوشتن واجب نیست ولی ما انجام می‌دهیم، شما جواب نمی‌دهید. گفتم صحیح است و آن آیه‌ای که می‌گویید بر شما واجب است، خداوند می‌گوید اگر یک تحیّتی، اگر یک خوش‌آمدی و چیزی به شما شد، فوری بهترش را جواب بدهید. این همین است که می‌گویید: بسم‌الله ما می‌گوییم: بسم‌الله‌وبالله، ما می‌گوییم: بسم‌الله‌وعلی‌الله توکّل. این یک تحیّتی نیست که شما می‌دهید. شما نامه‌ای می‌نویسید مثلاً کاری دارید، گرفتاری دارید، یک چیزی هم هست که بشر اصولاً علاقه‌مند است که عدّه‌ی بیشتری همدردش باشند و همدرد پیدا کند. سعی نکنید با این دردی که خدا برای خودتان آفریده، این درد را به دیگران هم انتقال بدهید تا همدرد پیدا کنید، نه! بلکه با توکّل به اینکه در هر دردی دوایی هست، آن دوا هم به دست خود ماست یعنی ما نماینده‌ایم. آن وسایلی که خدا گفته است، از این‌جهت هست که دیدید، بله! نامه‌ها را من جواب نمی‌دهم. امّا اینکه با این وجود که من در واقع حال و حوصله‌اش را ندارم و کارها هم زیاد است مع‌ذلک دلم می‌خواهد حتماً جلسات عمومی که گذاشتم برای خانم‌ها و آقایان، انجام بدهم. برای اینکه نشان بدهم اینطور هستم که دلم می‌خواهد با فقرا باشم منتها هر وقت نمی‌شود، یک مانعی از این قبیل هست. یا مانع بدنی، جسمی یا به‌هرجهت به یک نحوی هست. از این‌جهت جاهایی هم که فکر می‌کنید، من کوتاهی می‌کنم یا خطاکارم، من را ببخشید و معذرت می‌خواهم و برایم دعا کنید من نمی‌خواهم برای خودم دعا کنید که اینقدر نیرومند باشم که مثلاً دست مرحوم تختی را بگیرم و بپیچانم، نه! حالا آنقدر نیرومند باشم که بتوانم دیدار شما را انجام بدهم. نامه‌های‌تان را مختصر بنویسید، من هم چشمم ضعیف‌تر شده، البتّه گله‌ای ندارم، خیلی هم نسبت به سنّ خودم چشمم خوب است، هیچ عیبی هم ندارم ولی یک کاغذی که خط ریز می‌نویسید، خواندن آن برای من مشکل است و آن را به زحمت می‌خوانم ولی به‌هرجهت می‌خوانم، ناراحت نباشید. نمی‌گذارم نامه‌ای بیاید و من نخوانم ولو یک کتاب *الف‌لیله* بنویسید؛ من ناچارم، می‌خوانم ولی ملاحظه‌ی حال من را هم شما بکنید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۷)

*****

روابط انسانی و مطالبی که مربوط به روابط انسان‌ها با هم است، اهمّیت فراوانی دارد یعنی غیر از این چیزهایی که رکن بدن است، غذا و آب، هوا و اینها، آن چیزی که رکن اساس اینهاست یعنی رکن

انسانیّت انسان است، نه حیوانیّت انسان چون انسان درجه‌ی اوّل یک حیوانی است، تا از روح الهی در او دمیده می‌شود، آنوقت انسان می‌شود. به همین دلیل هم اگر کسی توجّه به آن جنبه‌ی الهی نکند، یک حیوان می‌شود یعنی قدرت ارتباط، قدرت از هم خبر داشتن، با هم همکاری کردن را ندارد. به همین حساب می‌شود گفت هر گاه یک جهتی، یک شخصی موجب بر هم زدن این ارتباط‌ها باشد، یا جلویش را بگیرد یا کم کند، آن بر خلاف مصلحت الهی و بر خلاف فطرت کار کرده است.

فطرت انسان‌ها همه در این است که با هم توافق داشته باشند که بتوانند دسته‌جمعی بشریت را به جلو ببرند. کما اینکه بحث در این بوده است، هنوز هم است که آیا خداوند بشر را که آفرید، منظور از اجتماعات چیست؟ البتّه خیلی‌ها دیدیم تعبیر می‌کنند، خداوند می‌خواهد که بشر همه با هم یک حکومت داشته باشند. ما از جنبه‌ی حکومت کار نداریم. اما خیلی‌ها حرفش را می‌زنند، خیلی کارها هم می‌کنند. ما به لحاظ خودمان می‌بینیم، دینی که خداوند آفریده، به چه رابطه‌ای است؟ چون خداوند انسان را آزاد آفریده، اگر جلویش را ول کنند، گناهان برای اجرا آماده‌تر است. خود طبیعت انسان، نفس انسان به سمت گناهان و آحاد گناهان یکی‌یکی میل می‌کند. دین برای این است که جلوی این آزادیِ مرزی را بگیرد و یک آزادیِ انسانی به او بدهد.

حالا ان‌شاءالله که ما خودمان موفّق باشیم که این امر الهی را درست عمل کنیم. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۸)

*****

در خانه اگر کس است یک حرف بس است
گفت و حرف و صوت را بر هم زنم تا که بی این هر سه با تو دم زنم

از همه التماس دعا دارم، ان‌شاءالله توفیق داشته باشم همینقدر که بیایم دیدار را تازه کنیم، شکر خدا. اگر مجال صحبتی هم شد، چه بهتر. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۹، جلسه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.